۲۰۰	هُوَ ۱۲۱ گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)
سلسله درسهای عرفانی	

درباره‌ی **استخاره، مقدّر الهی**

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

در مورد استخاره، حضرت صالح‌علیشاه وقتی به من اجازه دادند که استخاره کنم، این توضیحات را هم فرمودند که با عقل و استدلال اگر به یک نتیجه‌ای بتوانی برسی ولو آن نتیجه مضر باشد، ضررش کمتر از این است که عقل را کنار بگذاری و استخاره کنی. باید بروی فکر کنی راه عاقلانه را پیدا کنی. اگر عقلت قاصر شد و نتوانستی به نتیجه برسی آنوقت استخاره کن. روی فرمایش ایشان، من شاید در تمام عمرم برای خودم پنج، شش استخاره بیشتر نکردم.

منظور، این قسمت تعقّل را ما کم متوجّه می‌شویم. می‌پرسید که آیا این کار را بکنم یا این کار را نکنم و امثال اینها. حالا یک وقتی کسی با عقل به نتیجه نرسید بیاید تقاضای استخاره کند، آن استخاره، استشاره از خداوند است، اشکال ندارد. امّا به عنوان اینکه یکی دیگر بگوید، نه این صحیح نیست. (برگرفته از شرح *پندصالح* دوره اوّل، تاریخ ۱۳۷۶/۱/۲۸)

*****

باید این عقل را که جبرئیل انسان است پرورش دهیم و رها نکنیم. درست است که زمان ائمّه علیهم‌السلام هر یک از شیعیان اگر مشکل یا کاری داشتند، خدمتشان عرض می‌کردند و هر چه حضرت می‌فرمودند، آن کار را می‌کردند ولی بارها حضرت فرمودند که شما به کار دنیایی خودتان از ما واردتر هستید یا گفتند که اصلاح کار دنیا را از باطن ما بخواهید و اصلاح کار معنا را از ظاهر ما یعنی بیایید بگویید و بپرسید.

عقل و تفکّر را که گفتم، نباید بیکار بگذارید، به این معنی‌که، با توجّه به همه‌ی دستوراتی که داده شده باید همه‌ی آن‌ها را انجام داد و بعد با تفکّر اگر مطلبی را درک کردید، آن راه‌حل، همان راه‌حلّی است که خداوند خودش فرموده است.

چهل سال پیش وقتی به من اجازه فرمودند استخاره کنم، درباره‌ی استخاره فرمودند: استخاره یعنی طلب خیر. یک راه این است که کار را به امان خداوند بگذاریم و خیلی جوش نزنیم، هر چه خداوند پیش بیاورد خیر است؛ بِیَدِكَ الْخَیْرُ (سوره آل‌عمران، آیه ۲۶) نکته‌ای که مناسب اینجاست و من می‌خواستم بگویم این است که فرمودند: با استدلال عقلی و با تفکّر به دنبال راه‌حلّی که می‌خواهید بروید، وقتی واقعاً از خدا خواستید، هر چه به خاطرتان رسید، همان راه‌حلّی است که خدا در دل شما

القاء کرده است. بنابراین اگر عقل مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اکتُسِبَ بِهِ الْجِنَان را به کار بردید و آن به شما مطلبی را گفت، او همان جبرئیل عالم صغیر است به آن عمل کنید و بدانید خیر در همان است.

بعضی‌ها به معنای این آیه‌ی قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْك (سوره آل‌عمران، آیه ۲۶) رسیده‌اند ولی تعدادشان خیلی کم است. در آیه می‌گوید: بِيَدِكَ الْخَيْر، خداوندا، هر چه نیکویی و خیر است به دست توست. بنابراین هر چه پیش می‌آید خیر است. البتّه ممکن است ما از یک واقعه‌ای ناراضی و ناراحت باشیم و خیر آن را نفهمیم ولی این قصور در فهم ماست. مسلّماً خیر است، برای اینکه خداوند که این جهان را آفریده، همه چیز را به جای خودش قرار داده است. یک علّت که ما خیر بودن یک واقعه‌ای را نمی‌فهمیم این است که می‌خواهیم همه‌ی دنیا به خاطر «من» بگردد. من می‌خواهم فلان کار بشود و وقتی نشد می‌گویم: ای داد و بیداد نشد. آن هم خیر است، منتهیٰ خیری است که من نمی‌فهمم. خیر آن برای جامعه‌ی بشری و معنویّت من است. لااقل اگر بعد از این تفکّر، عملی انجام دادیم، اگر واقعاً توانستیم معتقد باشیم و بپذیریم که این «خیر» است، خود همین پذیرش، خیر است. گذشته از آنکه در این عمل، خیر است، همین که دل ما آن را پذیرفته که خیر است، خود این پذیرش هم خیر است.

بنابراین سعی کنید در این تقسیم‌بندی که گفتم، قلمرو عقل رحمانی را توسعه بدهید. نه اینکه آن دو قلمرو دیگر را توسعه ندهید و یا به قیمت از بین رفتن آنها این قلمرو را توسعه دهید، نه! با کمک آنها یعنی با کمک شریعت و طریقت که مثل دو عصای زیر بغل هستند، چون مولوی می‌گوید:

پای استدلالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی‌تمکین بود

البتّه منظور مولوی، استدلالیانی هستند که عقل رحمانی ندارند ولی اگر عقل رحمانی داشته باشند، این دو عصا هم هست، آنجایی که پایشان چوبین است، این دو عصا یعنی شریعت و طریقت به آنها کمک می‌کند و راه را به آنها نشان می‌دهد.

ما می‌گوییم: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيم (سوره فاتحه، آیه ۶) راه راست را به ما نشان بده، چگونه نشان می‌دهد؟ با همین تفکّری که خودمان می‌کنیم و آنچه به قول مشهور به دلمان برات می‌شود. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۳۷۶/۷/۱۸)

*****

استخاره با قرآن یعنی انسان از قرآن الهام بگیرد، استخاره‌ی با تسبیح یعنی از دل خود الهام بگیرد. بنابراین، خداوند از طرق مختلف ممکن است چنین دستوری صادر کند. چون تفکّر در کار، جزء قوانین و مقرّرات الهی است و خداوند همه جا دستور به تفکّر و تعقّل داده است. هر مطلبی که دارید درباره‌اش بیندیشید و تعقّل کنید، آنچه بر دل شما الهام شد، همان نتیجه‌ی استخاره است یعنی با این تفکّر و تعقّل، در واقع از خداوند طلب خیر کرده‌اید و خداوند آن خیر شما را به شما الهام کرده است. اگر از این راه نشد، آنگاه خیلی به ندرت و کم، می‌توان متوسّل به استخاره شد. امّا استخاره برای

ازدواج، با استخاره در سایر مسائل فرقی نمی‌کند. بطور کلّی باید اوّل قبل از استخاره، استشاره کرد و امّا در مورد خودتان که نوشته بودید، به‌هرجهت آنچه انجام شده است جز خواست خداوند نیست. امیدوارم خواست خداوند که همیشه بر خیر شماست، شما را راهنمایی کند ولی این توجّه را داشته باشید که در اینجا نمی‌توان نشست و منتظر وصول خیر بود. باید در زندگی خود و برخوردتان بیندیشید، اگر نواقصی بوده است که آن نواقص موجب این وضعیت گردیده، آن نواقص را مرتفع کنید. امیدوارم خداوند توفیق بدهد. (برگرفته از مکاتیب عرفانی، تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۱)

*****

مُقدّر الهی را هیچکس نمی‌داند. البتّه بعد از اینکه انجام شد آنوقت می‌فهمیم که مُقدّر اینطور بوده است واِلّا مثلاً یکی در کنکور شرکت می‌کند خیلی درس خوانده رد می‌شود ولی می‌بیند در همان کنکور یکی دیگر بدون اینکه زحمت زیادی کشیده باشد قبول می‌شود. سال دیگر شرکت می‌کند سال دیگر همین‌طور. او نمی‌تواند فکر کند و حق ندارد بگوید مُقدّر الهی این است. ما باید فکر کنیم. مُقدّر الهی همان فکری است که ما می‌کنیم، خداوند به ما فکر می‌دهد و تصمیمی می‌گیریم همان هم مُقدّر الهی است. کما اینکه در مورد استخاره هم گفته‌اند: مشورت کنید، بعد هم فکر کنید هر چه به فکرتان رسید همان استخاره است. برای اینکه استخاره یعنی با قرآن مشورت کنید، در تعلیمات عالیه‌ای که قرآن دارد آنچه را که متناسب با روحیّه‌ی شماست و به نفع شماست از خدا بخواهید. این معنی استخاره است ولی مگر خدا بخواهد خیر ما را بگوید فقط از همین راه است که از این کتاب بگوید؟ بله کتاب قرآن است. امّا قرآن واقعی، قرآن ناطق است که علی فرمود: من قرآن ناطق هستم. از راه قرآن ناطق، نه از این قرآن خطّی یعنی کتابی که معلوم نیست اصلاً چه کسی آن را نوشته است؟ البتّه حالا که قرآن خطّی متداول نیست و همه چاپی است ولی آن کسی که نوشته شاید اصلاً مسلمان نبوده و کاسب بوده، دیده خیلی خریدار دارد چاپ کرده است. نشان دادن خیرات از جانب خدا منحصر نیست به اینکه از درون این کتاب آیه‌ای را بگوید، او به فکر ما القاء می‌کند. بارها شده که یک فکری که ظاهراً خیلی دم دست نبوده ولی القاء شده که انسان بعد دیده خیر او بوده است.

این است که در این قبیل موارد که مثلاً چندین بار در کنکور شرکت کرده یا رد شده، دو مرتبه بنشیند و حساب کند، شاید در محاسبات او اشتباهی بوده است، بنشیند حساب کند من چند سال دارم و هر سالی که می‌گذرد چقدر از عمر من کم می‌شود. چقدر می‌خواهم در آینده باشم؟ و این درس‌ها چه فایده‌ای دارد؟ چه فایده‌ای ندارد؟ در تمام اینها رضایت خداوند در کجاست؟ درباره‌ی اینها فکر کند شاید اصلاً تصمیم او عوض شود. بعد که عوض شد و رفت، آنچه که گذشته است مُقدّر الهی است. آینده را ما نمی‌توانیم حدس بزنیم که مُقدّر الهی چیست؟ بله برای گذشته این مُقدّر الهی بوده است. برای اینکه شکایت نداشته باشیم و به آنچه خدا مُقدّرکرده و پیش آورده

راضی باشیم.

بعد خدا گفته این فکر را به شما دادم که با این فکر موانع را می‌توانید بردارید یا نه؟ مثل مسابقه‌ی دو با مانع یا اسب سواری با مانع است. آن دونده یا آن اسب سوار می‌گوید مگر آقا شما با من دشمن هستید که مانع جلوی من گذاشتید. نه دشمن نیستند به تو یاد دادند که بدانی مانع هست باید بپری. خدا هم همین‌طور مانع آفریده ولی به شما هم یاد داده که فکر کنید شاید از مانع پریدید، هرگز از وجود مانع نه بترسید و نه آنچه هست را فقط مُقدّر الهی بدانید. بله همه چیز مُقدّر الهی است، درست است؛ امّا قرار نیست ما از مُقدّر الهی با خبر شویم؛ هیچ بشری قرار نیست، فقط برای بعضی انبیاء و اولیاء در مواقعی که خداوند مصلحت می‌داند؛ مُقدّر را برای آنها می‌گوید. مثلاً در جنگ بدر، پیغمبر ﷺ خواب دید (یا حالا در بیداری به او گفتند) که فتح می‌کنی ولی اگر فقط به فکر بود ظاهراً سیصدوسیزده نفر پابرهنه بودند در مقابل نهصد نفر سوار مسلّح که جنگ کردند و پیروز هم شدند. خداوند مصلحت دانست که آنجا خبر بدهد ولی از آینده خبر نمی‌دهد.

***

منتظر این نباشیم که بگوییم این مُقدّر الهی است. بله هر چه شده مُقدّر الهی است ولی این تفکّری هم که خدا به شما داده مُقدّر الهی است. مثل دو با مانع است که مثال زدم. مانع را خدا آفریده ولی مُقدّر نکرده که شما در مسابقه‌ی دو تا به مانع برسید، بایستید و بگویید دیگر مُقدّر این است. از این مانع بپرید. خود پریدن از مانع هم مُقدّر الهی است. این تفکّری که می‌کنید مُقدّر الهی است. همه چیز مُقدّر الهی است. راجع به مُقدّر الهی هرگز تصمیم نگیرید؛ گویی که شما در واقع برای خدا تکلیف تعیین می‌کنید. من تشخیص دادم که مُقدّر تو این است، بنابراین، این کار را می‌کنم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۳۸۰/۷/۴)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امر به معروف و نهی‌ازمنکر، مصافحه، عشق، حجاب، اتحاد و همدلی و خطبه سلسلة الاولیاء)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح وتفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.